



اهل چوبکاری

گفت و گو با نرگس قاسمی، نفر اول منبت کاری کشور در جشنواره هنرهای تجسمی

منبت کاری هنر حکاکی و کنده کاری روی چوب است؛ هنری دستی که نماد احساس، ادراک، اندیشه و خلاقیت هنرمندانی است که با ذوق و سلیقه سرشار، اثری هنری ابداع می کنند. با توجه به اسناد و مدارک موجود منبت کاری در ایران، سابقه این صنعت به ۱۵۰۰ سال می رسد. قدیمی ترین اثر منبت کاری موجود در کشور ما، یک لنگه در چوبی است که روی آن با خلال هایی از چوب گردو و نقوش زیبا تزیین شده است. در این شماره، سرغ یکی از دانش آموزان با استعداد و خلاق استان اصفهان رفته ایم.

خانم قاسمی ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

من نرگس قاسمی، متولد سال ۱۳۷۶، دانش آموز رشته صنایع دستی از شهر اصفهان هستم.

چرا صنایع دستی را انتخاب کردید؟

من از کودکی به بازار اصفهان در میدان امام حسین (ع) می رفتم و واقعا از دیدن صنایع دستی لذت می بردم. همین علاقه بعدها باعث شد که به این رشته برای تحصیل فکر کنم.

پدر و مادران نخواستند که رشته ریاضی یا علوم تجربی را انتخاب کنید؟

نه، اصلاً. اتفاقاً خانواده خیلی تشویقم کردند. اوایل کمی نگران بودم. از رشته صنایع دستی شناخت کافی نداشتم و فقط علاقه مرا به سمت این رشته کشاند. اصلاً نمی دانستم که با چه چیزی روبه رو خواهم شد. اما بعدها دیدم این رشته چه دنیایی برای خودش دارد!

شما در جشنواره هنرهای تجسمی نفر اول گرایش منبت کاری در کشور شدید. این نتیجه تلاش است یا استعداد؟

هر دو. معلم ها به من می گفتند که کارت

عالی است و استعداد داری. البته من نمی خواهم از خودم تعریف کنم، اما هرچه جلوتر می رفتم، بیشتر تلاش می کردم و به همان نسبت کارهایم بهتر شدند.

آیا برای این اول شدن کلاس های

خارج از مدرسه هم رفته اید؟
باور کنید من برای کار چوب حتی یک کلاس هم ثبت نام نکردم؛ فقط مدرسه بود. مدرسه ما چه از نظر کادر آموزشی و چه از نظر تجهیزات عالی است. از طرف دیگر، خانواده ام کاملاً هوادارم هستند.

تا حالا کارهایتان را فروخته اید؟

● مشتری های خوب داشته ام، ولی راستش پدرم دوست دارد کارها را فعلاً نگه دارم. **چرا؟**

پدرم می گوید این کارها یادگاری هستند. برای فروش فرصت زیاد است.

چه طور می شود منبت کار نمونه شد؟

آدم باید پشتکار داشته باشد و بعد هم علاقه. یعنی به نظر من، اگر علاقه نباشد و فقط پشتکار داشته باشیم، می شود یک کار خوب تحویل داد، اما این علاقه است که کار را به درجه عالی می رساند. من از مدرسه که می رسم، هر قدر هم خسته باشم، فقط کمی به خودم استراحت می دهم، و بعد تا آخر وقت کار می کنم.



برنامه بعدی تان چیست؟

شاید به عنوان یک حرفه کارم را ادامه دهم. شاید هم در دانشگاه رشته صنایع دستی یا عکاسی را دنبال کنم؛ چون هر دو را دوست دارم.

چه زمانی به سمت میز کارتان می روید؟

راستش حسی درونم ندا می دهد، و به من می گوید الان موقع کار است. البته این حس بیشتر مواقع با من و درونم هست.

چرا کارتان را دوست دارید؟

واقعا احساس آرامش پیدا می کنم. البته هر کس کارش را دوست داشته باشد، با آن احساس آرامش می کند.

در مدرسه چه قدر کار می کنید؟

بدون وقفه. باور کنید من از هشت صبح تا سه بعدازظهر یک بند کار می کنم. گاهی زنگ تفریح نمی روم.

یک خاطره از کارتان بگویید.



منبر «مشکول»



آشنایی با منبت

«منبت» یعنی کنده کاری روی چوب، هنر الان هم نیست. بر می گردد به زمانی که من به دنیا نیامده بودم. تو هم به دنیا نیامده بودی، پدرم، پدر بزرگم و... اصلاً بر می گردد به زمان عصر حجر (از زمان عصر حجر منبت کاری در ایران مورد استفاده قرار می گرفت). اگر باورتان نمی شود، سری به مقبره های شهرستان فسا در استان فارس بزنید. در بعضی از مقبره ها قطعات چوب متعلق به ۵۰۰۰ سال قبل هستند، اما اگر یک دانه دست به نقد می خواهید، به عکس بالا نگاه کنید. نخیر آن را تازه نساخته اند. ساخته قرن ۱۲ میلادی است. منبر «مشکول» که در یکی از روستاهای استان اردبیل است، و نماد هنر منبت کاری با استفاده از نمادهای مذهبی است. واقعاً با چه ابزاری این اثر هنری را ۹۰۰ سال پیش خلق کرده اند؟! برگردیم به زمان حال. باید برویم به جنوب شرقی استان همدان، یعنی شهرستان ملایر. ملایر قطب منبت کاری در ایران است، و اگر روی میل خانه تان نوشته های بنده را می خوانید بدانید که احتمالاً این میل در شهرستان ملایر ساخته شده است. صبر کنید آرزوهای دور و دراز نبینید (منظورم دانش آموزان منبت کار است، بقیه به کار خودشان ادامه دهند و راحت روی میل بنشینند)، برای پول دار شدن در این رشته باید صبر و تحمل زیادی داشته باشید و البته استعداد. در کل همه رشته ها به این عنصر نیازمند هستند، اما منبت کاری به دلیل ظرافت و حساسیت بالا، مطمئناً به صبر و تحمل بیشتری نیازمند است.

در بهمن ماه سال گذشته، باید برای جشنواره هنرهای تجسمی که در تیرماه برگزار می شد، کارم را ارائه می دادم. راستش عازم سفر کربلا بودم و می خواستم هر دو را انجام بدهم. پس یک هفته شبانه روز کار کردم. واقعاً شبانه روز تمام انرژی ام را گذاشتم، به طوری که ساعت های آخر دیگر نمی توانستم کار کنم. اما باز هم ادامه دادم تا به موقع کار را تحویل دادم و خدا را شکر کار به خوبی تمام شد.

برای موفقیت چه برنامه ای دارید؟

تلاش و درس. امسال برای من سال حساس و سرنوشت سازی است. چون سال چهارم هستم و بعد از آن باید مرحله جدیدی از زندگی ام را تجربه کنم.

حرف آخر؟

فکر کنم فرصت خوبی است تا از پدر و مادرم که همیشه پشتیبان روحی و معنوی من بوده اند، تشکر کنم. واقعاً دوستان دارم.